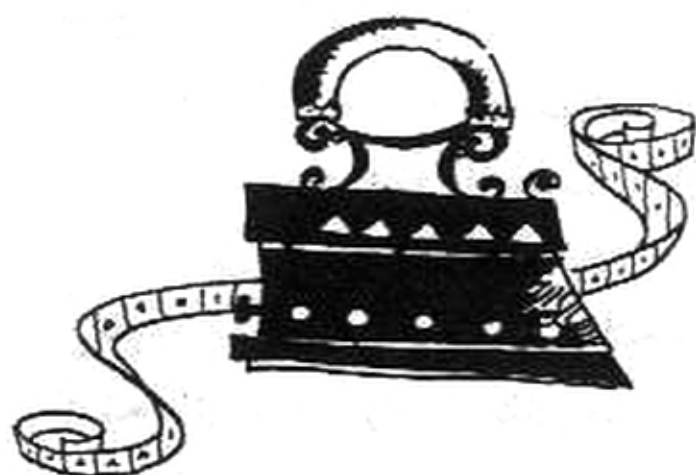


وقتی که بیدار شد به این نتیجه رسید که خیال او برای شاهزاده شدن خیلی احمقانه بوده است.

تصمیم گرفت که دیگر از شاهزاده شدن چشم پوشد و يك خياط

درستکار بشود.



فردای آن روز، لابخان

نخ و سوزن داخل آن جعبه

کوچک را برداشت و خود

جعبه را به قیمت خوبی به-

يك نعلبند فروخت و مغازه‌ای

اجاره کرد و مقداری اسباب و لوازم خیاطی خرید و روی تابلوی مغازه‌اش

نوشت «خیاطی لابخان» و با نخ و سوزن جعبه مشغول وصله کردن

لباسهای پاره‌اش شد و به انتظار مشتری نشست.

همینکه کارش را شروع کرد برای لحظه‌ای ناچار شد لباس

پاره‌اش را کنار بگذارد، زیرا شخصی وارد مغازه شد و کار او را قطع

کرد.

وقتی که لابخان برگشت تا کارش را ادامه بدهد ناگهان متوجه

شد که سوزن خودش لباس را وصله کرده و بقدری با دقت دوخته که

برای لابخان هم غیرممکن بود بتواند آن را به این خوبی بدوزد، و

از طرف دیگر پارچه کوتاه هم نشده بود!

لابخان با قدردانی گفت: «ای فرشته مهربان! من حالا ارزش

هدیه ترا فهمیدم!»

لابخان بزودی مشتریان زیادی پیدا کرد، و در شهر معروف شد

و با آنکه کار او زیاد بود هرگز کسی را به شاگردی قبول نمی‌کرد.

چون جز بریدن و کوبیدن پارچه کاری نداشت و بقیه کارها با خود

سوزن بود.

بیشتر اهالی شهر نزد لابخان لباس می‌دوختند زیرا مزد او عادلانه بود؛ اما هیچکس نمی‌توانست بفهمد که چرا او پنهان و پشت يك در بسته کار می‌کند. شایع بود که در کار لابخان سری نهفته است؛ اما چون او شخص مهربانی بود کسی مزاحمش نمی‌شد.

به این ترتیب نوشته روی جعبه واقعیت پیدا کرد و لابخان بر اثر کار با سوزن و نخ جادو به شهرت و ثروت رسید.

وقتی که او حرفهای مردم را درباره شاهزاده‌عامر و دشمنانش می‌شنید، به خودش می‌گفت: «افتخار و پیروزی چیزهایی هستند که باعث سختی و دشواری زندگانی می‌شوند اما من از کار خودم راضیم.»

آن وقت نتیجه می‌گرفت که: «هر کس باید پی‌کار خودش برود.»

لابخان هنوز هم با خوشحالی زندگی می‌کند و به کار خودش مشغول است. مردم هم او را دوست دارند اما از سوزن جادو و نخ بی‌انتهای آن که هدیه ادولزید بود، خبری در دست نیست.





از این سری منتشر
کرده ایم :

- ۵۳- ماجرای خانوادۀ رایینسون
- ۵۴- کنته و نت کریستو
- ۵۵- وحشی کوچولو
- ۵۶- الماس خدای ماه
- ۵۷- هر کول
- ۵۸- پسر پرنده
- ۵۹- دختر مهربان ستاره‌ها
- ۶۰- شجاعان کوچک
- ۶۱- بلبل
- ۶۲- امیل و کارآگاهان
- ۶۳- شاهزاده خانم طاووس
- ۶۴- گریستف کلب
- ۶۵- ملکه زنبور
- ۶۶- امیر ارسلان نامدار
- ۶۷- لرسو
- ۶۸- آینه سحر آمیز
- ۶۹- جانوران حق شناس
- ۷۰- آمیگو
- ۷۱- سبب جوانی و آب زندگی
- ۷۲- پسرک چوبان و گاو نر
- ۷۳- هدیه سال نو
- ۷۴- آسیاب سحر آمیز
- ۷۵- گنجشک زبان بریده
- ۷۶- دو برادر
- ۷۷- فور باغ پرنده
- ۷۸- خواننده تصویرها
- ۷۹- انگشت سحر آمیز
- ۸۰- گروسمان
- ۸۱- موش کوچولو
- ۸۲- گل سنگی
- ۸۳- کرمها و آدمها

- ۲۳- رایینهود و دلوران جنگل
- ۲۴- خرگوش مشکل من
- ۲۵- رایینسون کروزو
- ۲۶- سفرهای مایور
- ۲۷- پری دریایی
- ۲۸- صندوق پرنده
- ۲۹- پسرک بند انگشتی
- ۳۰- فندق جادو
- ۳۱- بانوی چراغ بدست
- ۳۲- شاهزاده موطلالی
- ۳۳- سلطان ریش یزی
- ۳۴- خرآوازخوان
- ۳۵- آدمک چوبی
- ۳۶- جادوگر شهر زمرد
- ۳۷- سامو وحشی
- ۳۸- سنگ شمال
- ۳۹- آلیس در سرزمین عجایب
- ۴۰- اسب سرکش
- ۴۱- جک غولکش
- ۴۲- آیوانهو
- ۴۳- آرزوهای بزرگ
- ۴۴- بازمانده سرخ بوستان
- ۴۵- کیم
- ۴۶- دوردنیا در هشتادروز
- ۴۷- سرگذشت من
- ۴۸- لورنادون
- ۴۹- هکلبری فین
- ۵۰- ملانصرالدین
- ۵۱- کرم دریا
- ۵۲- قاصد

- ۱- اردک سحر آمیز
- ۲- کفش بلورین
- ۳- نهنگ سفید
- ۴- فندق شکن
- ۵- پشه بینی دراز
- ۶- آرنور شاه و دلوران میزگر
- ۷- سندباد بحری
- ۸- اولیس و غول یک چشم
- ۹- سفرهای مارکو پولو
- ۱۰- جزیره گنج
- ۱۱- هایدلی
- ۱۲- شاهزاده‌های پرنده
- ۱۳- سفید برفی و گل سرخ
- ۱۴- شاهزاده و گدا
- ۱۵- اسپار تاکوس
- ۱۶- خیاط کوچولو
- ۱۷- جزیره اسرار آمیز
- ۱۸- خلیفه‌ای که لک لک شد
- ۱۹- دیو بدکار پریلند
- ۲۰- الماس آبی
- ۲۱- دن کیشوت
- ۲۲- سه کفنگدار

